



بساط بلال و بستنی قیفی در تجریش

۲۰ سال زندگی در شهرک آتی ساز

مسعود فروتن، مجری و کارگردان نام‌آشنای سینما و تلویزیون ایران که از ۲۰ سال پیش در شهرک آتی ساز زندگی می‌کند، معتقد است برای آدمی که تنها زندگی می‌کند هیچ‌جا مثل شهرک‌ها امن نیست؛ چون هر کسی که وارد شهرک شود باید از نگرهبانی عبور کند و شناسایی شود. اگر وسیله‌ای خراب شد، تاسیسات شهرک آن را تعمیر می‌کند. این هنرمند پیشکسوت که متولد آمل است و دوره کودکی‌اش را در تهران گذرانده، خاطرات بسیاری از کوچه پس‌کوچه‌ها و محله‌های قدیم تهران دارد: «نخستین بار که تهران را دیدم سال ۱۳۳۳ بود. ۹ سال داشتم که همراه خانواده‌ام به تهران آمدم. دیدن خیابانی که آسفالت بود و خاکی نبود برای من خیلی جالب بود. بار دوم برای عروسی خواهرم به تهران آمدم. وقتی برای خرید کفش به سرچشمه و سپهسالار رفتم دیدم چقدر خیابان‌ها تمیز است. آدم‌ها لباس‌های شیک پوشیده‌اند. دیدن کف‌اشی‌ها و مغازه‌های دیگر که کنار هم ردیف شده بودند برای من خیلی هیجان‌انگیز بود. چندماه بعد از دماوند که محل زندگی ما بود به تهران آمدم تا خواهرم روزها تنها نباشد. این چندماه برای من پر از خاطره‌های شیرین از دیدنی‌های تهران است. بعد از ظهرها شوهر خواهرم ما را به جایی از تهران برای گردش و تفریح می‌برد. آن سال من با تعدادی تمدن آشنا شدم. نخستین بار سینما دیدم، به تئاتر رفتم و حتی غذا خوردن در بیرون از خانه را تجربه کردم. جاهای دیدنی که رفتیم در ذهن من به یادگار مانده است.»

خاطرات این هنرمند پیشکسوت از شمیران گردی هم شنیدنی است: «آخر هفته‌ها برای تفریح به شمیران و سربل تجریش می‌رفتم. یادم هست نخستین بار در تجریش بستنی قیفی خوردم. تا قبل از آن بستنی قیفی ندیده بودم و اصلاً نمی‌دانستم چطور باید آن را دستم بگیرم و بخورم. پایین بستنی را که خالی بود، گرفتم؛ طوری که بستنی از روی نان به زمین افتاد و اشکم را در آورد. البته دوباره برای من بستنی خریدند، اما این خاطره برای من ماندگار شد. تجریش محوطه وسیع و زیبایی بود. بساط گردویی و پلاکی‌ها داغ بود و صدای فروشنده‌ها فضا را پر می‌کرد. سر بل تجریش محلی برای گشت‌وگذار و هواخوری بود؛ محلی که مردم از تهران می‌آمدند تا نفسی تازه کنند.»

کشتارگاهی که فرهنگسرا شد

جوانان نازی آباد این بخت را دارند که یک پاتوق درست و حسابی داشته باشند؛ یک جایی که اسمش فرهنگسرای بهمن است؛ محلی که قبلاً کشتارگاه تهران بود و فضای نامناسب اطرافش محله را از ریخت‌انداخته بود، اما حالا بیا و ببین که به جای کشتارگاه که فقط بوی نامطبوع از آن به مشام می‌رسید، یکی از فعال‌ترین مراکز فرهنگی پایتخت فعالیت می‌کند و سینمایی با سقف متحرک را در خود جای داده است.



هدف موشک باران صدام بود

در دوره دفاع مقدس نازی آباد یکی از هدف‌های اصلی موشک‌باران‌های صدام بود. برخی هم مدعی بودند صدام و فرماندهانش فهمیده بودند که خیلی از سرداران و فرماندهان جنگ و نیروهای سرنویس‌ساز جبهه‌ها از برویچه‌های نازی آباد هستند و به خیال خودشان با بمباران این محله می‌خواستند روحیه این جوانان را تضعیف کنند؛ جوانانی مثل شهید صنیع‌خانی که بزرگ‌شده نازی آباد است.



محدوده‌ای از پایتخت که پشت قباله همسر شاه قاجار بود

محله لژیونرها

پریسانوری

نازی آباد از محله‌های اصیل و قدیمی جنوب تهران است که در دهه ۳۰ شکل گرفت؛ محله‌ای که در دلش چند خرده‌محله از جمله هزار دستگاه، فرهنگیان، سهیلی، بازار اول و بازار دوم با داستان‌های متفاوت و خواندنی را جای داده است؛ اینکه در هزار دستگاه، ۹۹۹ تا واحد مسکونی ساخته شده و معلوم نیست واحد هزارم چرا ساخته نشده یا اینکه این محله را نازی‌های آلمانی ساخته‌اند. در نازی آباد اغلب کسبه و مشتری‌ها با هم آشنایی و سلام و علیک دارند و به تعبیری هنوز روح محله و بچه‌محل بودن در آن جاری است.

این مسجد را همه می‌شناسند

نازی آباد چند مسجد دارد، اما یکی از مساجدش را نه فقط اهالی که همه مردم تهران می‌شناسند. این مسجد که کلنگش در اوایل دهه ۳۰ توسط آیت‌الله کاشانی در خیابان مدائن زده شده، در مناسبت‌های مهم سیاسی و اجتماعی مثل انتخابات همیشه مورد توجه خاص رسانه‌ها بوده و به خاطر گزارش‌های زنده‌ای که از آن در تلویزیون دیدیم به چشم همه‌مان آشناست. صفوف نماز در مسجد حضرت رسول فرشته است و اگر موقع اذان برای اقامه نماز برسید، جا برای ایستادن و نماز خواندن پیدا نمی‌کنید.

چرا نازی آباد؟

اما درباره اینکه چرا اسم محله نازی آباد شده ۲ روایت وجود دارد. منوچهر والی‌زاده، صدایشه پیشکسوت در این باره می‌گوید: «روایت نخست این است که آلمانی‌ها این محله را در دوره رضاخان ساختند و نام آن را نازی آباد گذاشتند؛ در حالی که طبق اسناد این محله خیلی پیش‌تر از سرکار آمدن رضاخان به همین نام بوده؛ بنابراین این گفته درست نیست. روایت دوم که معتبر است و در کتاب‌های تاریخی هم آمده، این است که ناصرالدین شاه قاجار دل‌بسته خانمی به نام ناز خاتون می‌شود و او را به همسری می‌گیرد. از قضای روزگار این خانم در این محله عمارتی داشته و شاه هم باقی املاک و زمین‌های اطراف عمارت را پشت قباله ناز خاتون می‌اندازد. ناز خاتون این زمین‌ها را که از جنوب به دریاچه عظیم آباد می‌رسید به دست رعیت می‌دهد تا در آن کشت و زرع کنند. کم‌کم زمین‌ها رونق پیدا می‌کند و اسم ناز خاتون هم روی زبان‌ها می‌افتد و از آن روزگار به این محدوده نازی آباد می‌گویند. در دوره پهلوی اول کم‌کم زمین‌های کشاورزی نازی آباد تفکیک شد تا خانه‌ها ساخته شوند و یک محله شکل بگیرد.»



بچه‌معروف‌های نازی آباد

لاپد شما هم زیاد شنیده‌اید که خیلی از فوتبالیست‌های معروف کشور بچه نازی آباد بودند. محدوده بازار دوم قبلا همان زمین‌های خاکی معروف نازی آباد بوده که خیلی از لژیونرها و بازیکن‌های تراز اول تیم ملی فوتبال مثل فرشاد پیوس، حمید استیلی، امیر قلعه‌نویی و... در آن فوتبال بازی کرده‌اند. وقتی با چند تا از قدیمی‌های محله گپ می‌زدیم فهمیدیم خیلی از بزرگان و رجال سیاسی کشوری و لشکری بچه نازی آباد بودند و هنوز هم هستند؛ مثل سید عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی و گردشگری که هنوز هم بعضی وقت‌ها از بازارچه‌های معروف نازی آباد خرید می‌کند. در عالم هنر هم برای نازی‌آبادی‌ها جا هست؛ چون کسی مثل اکبر عبدی را دارند.

۴۵ میدان

در نازی آباد وجود دارد که کوچه‌ها و خیابان‌های محله حول آنها شکل گرفته‌اند. میدان‌ها سرسبزی و نشاط خاصی به این محله بخشیده است و اینجا را از دیگر محله‌ها متمایز کرده‌اند.



۴۴۳۱۸ نفر

در محله نازی آباد زندگی می‌کنند. این محله ۲۳۳ هکتاری در ناحیه ۲ منطقه ۱۶ تهران قرار دارد.

